

«بسم الله الرحمن الرحيم»

پیامدهای غیبت بر اجتماع با تکیه بر آیات و روایات

مریم ربیعی^۱

چکیده:

بر اساس مبانی دینی، غیبت از گناهان کبیره است، یک رفتار ناپه‌نجار محسوب می‌شود. این رفتار ضد ارزشی، موجب بروز آسیب‌های اجتماعی است به همین خاطر در قرآن و روایات به صراحت حرمت غیبت را بیان کرده‌اند. هر فرد با شنیدن واژه غیبت گمان می‌کند این موضوعی روشن و نیازی به تحقیق در این زمینه نیست، اما با تأمل در این موضوع پرسش‌های زیادی در ذهن ایجاد می‌شود، هر یک از این‌ها تحقیقاتی را می‌طلبند. لذا این امر اهمیت پژوهش در این زمینه را می‌رساند. عنوان مقاله حاضر «پیامدهای غیبت بر اجتماعی با تکیه بر آیات و روایات» است. روش تحقیق مقاله به صورت توصیفی و شیوه جمع‌آوری مطالب آن کتابخانه‌ای است. در این مقاله ابتدا به مفهوم‌شناسی غیبت و تهمت و تفاوت بین آنها پرداخته شد، سپس به پیامدهای اجتماعی در دو بخش پرداخته شده است. در بخش اول به پیامدهای غیبت بر معنویت اجتماعی مانند: از بین رفتن ایمان به جامعه، نابودی اخلاق جامعه، از بین رفتن وحدت در جامعه و.... در بخش دوم به پیامدهای غیبت بر پیوند های اجتماعی مانند: سستی پیوندها، از بین رفتن روحیه همکاری، ایجاد کینه و دشمنی و.... هر کدام را به استناد آیات و روایات بیان شد.

کلید واژه‌ها: پیامدهای غیبت، پیوند اجتماعی، غیبت، معنویت اجتماعی.

^۱. طلبه سطح ۲، حوزه علمیه حضرت زینب(ع)، شهرستان امیدیه

مقدمه

غیبت به معنای پشت سر یا در غیاب شخصی حرف زدن است. اگر این غیبت دروغ باشد، جنبه تهمت به خود می‌گیرد. لذا غیبت پیامدها و مشکلات زیادی برای جامعه دارد که در این مقاله به پیامدهای غیبت بر معنویت اجتماعی و پیامدهای غیبت بر پیوندهای اجتماعی اشاره می‌شود. بی تردید انسان برای تامین احتیاجات خود نیازمند زندگی اجتماعی است؛ چرا که انسان موجودی اجتماعی می‌باشد ملازم تامین این نیاز اجتماعی وجود روابط سالم و پایدار است، لذا آموزه ها و دستورات دینی در صدد استحکام این روابط اجتماعی است. از این رو برای پایداری این روابط از غیبت کردن که به واسطه آن حقوق انسانها پایمال شود را نهی کرده است. اما در جامعه فعلی ما به مسئله غیبت که می تواند تاثیر بسزایی در روابط اجتماعی داشته باشد توجه کمتری شده است؛ لذا ما در صدد پاسخگویی به این پرسش هستیم که پیامدهای غیبت چه تاثیری بر روابط اجتماعی دارد؟ و آیا ترک غیبت می تواند روابط اجتماعی را اصلاح کند؟ بله اگر در این تحقیق پیامدهای غیبت مورد توجه قرار بگیرد جامعه استحکام و انسجام بیشتری خواهد داشت. فتنه ها و توهین ها از بین می‌رود و انس و الفت بین کارکنان در جامعه بیشتر خواهد بود.

«من الله التوفیق»

۱- مفهوم شناسی

۱-۱- مفهوم غیبت

غیبت لغوی: غیبت در لغت مصدر «غاب»^۱ و اسم مصدر «اغتیاب»^۲ و غیبت از ریشه «غیب» بر چیزی که از چشم ها پوشیده باشد دلالت دارد.^۱

^۱. جذری، النهایه فی غریب الحدیث و الاثر، ج ۳، ص ۴۰۰

^۲. ابن منظور، لسان العرب، ج ۱، ص ۶۵۶

به معنای غایب شدن- ناپیدا شدن- پنهان شدن از نظر- پشت سر کسی بدگویی کردن- و عیب او را گفتن- زشت یاد کردن نیز آمده است.^۲

امام خمینی «رحمة الله علیه» چنین گفته: که صاحب صحاح معنی اصطلاحی را بیان کرده، نه معنای لغوی را؛ زیرا که معنی لغوی «غاب» که و «اغتاب» و سایر تصاریف آن، این نیست، بلکه معنای اعمی از آن است. و لغوین گاهی معنای اصطلاحی یا شرعی را در کتب خود می نگارند.^۳

غیبت اصطلاحی: حقیقت غیبت آن است که چیزی نسبت به شخصی ذکر کنی که اگر به گوش او برسد او را ناخوش آید و به آن راضی نباشد.^۴ خواه آن نقص، در بدن او باشد مثل اینکه بگویی: فلانی کور، یا کر، یا گنگ یا کوتاه، یا بلند و.... امثال این هاست، یا در نسب او باشد مثل اینکه بگویی پسر فلان، فاسق، یا ظالم، یا حمال زاده؛ یا نا نجیب و مانند اینها یا در صفات و افعال و اقوال او باشد مثل اینکه بگویی: بدخلق، یا بخیل، یا متکبر و.... یا در چیزی باشد که متعلق به او باشد. از لباس، یا خانه و.... چنانکه بگویی: جامعه فلان کسی چرکین یا خانه او چون خانه یهودیان است و امثال اینها.^۵

«يُؤْتِي بِأَحَدٍ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يُوقِفُ بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ وَ يُدْفَعُ إِلَيْهِ كِتَابُهُ فَلَا يَرَى حَسَنَاتِهِ ، فَيَقُولُ : إِلَهِي ، لَيْسَ هَذَا كِتَابِي ! فَإِنِّي لَا أَرَى فِيهَا طَاعَتِي ؟ ! فَيَقَالُ لَهُ : إِنَّ رَبَّكَ لَا يَضِلُّ وَ لَا يَنْسِي ، ذَهَبَ عَمَلُكَ بِاِغْتِيَابِ النَّاسِ . ثُمَّ يُؤْتِي بآخر وَ يُدْفَعُ إِلَيْهِ كِتَابُهُ فَيَرَى فِيهِ طَاعَاتٍ كَثِيرَةً ، فَيَقُولُ : إِلَهِي ، مَا هَذَا كِتَابِي ! فَإِنِّي مَا عَمِلْتُ هَذِهِ الطَّاعَاتِ ! فَيَقَالُ : لِأَنَّ فُلَانًا اغْتَابَكَ فَدُفِعَتْ حَسَنَاتُهُ إِلَيْكَ».^۶

«از پیامبر «صلی الله علیه و آله و سلم» روایت شده که روز قیامت شخصی در پیشگاه حق نگه داشته شود و کتابش به او داده شود. پس حسنات خود را در آن

^۱. مصطفوی، التحقيق فی کلمات القرآن کریم، ج ۷، ص ۲۸۹

^۲. فرهنگ فارسی، ص

^۳. خلجی، غیبت، ص ۲۱ و ۲۲

^۴. فیض کاشانی، المحجّه البیضاء، ج ۵، ص ۲۵۵

^۵. نراقی، معراج السعاده، ص ۴۴۴

^۶. فیض کاشانی، المحجّه البیضاء، ج ۵، ص ۲۵۳

نبیند. گوید: خداوندا! با این کتاب من نیست، در آن حسنات خود را نمی‌بینم. براو گفته شود: همانا پروردگار تو گمراه نیست و فراموش نمی‌کند، عمل تو به واسطه‌ی غیبت کردن از مردم از بین رفت. پس از آن، دیگری آورده شود و کتابش را به او می‌دهند. پس در آن طاعت‌های بسیاری می‌بیند. بگوید: بارالها! این کتاب من نیست، زیرا که من این طاعات را نکردم. به او گفته شود: چون فلانی غیبت تو را کرده، حسنات او را به تو دادیم».

همچنین روایت شریف از پیامبر «صلی الله علیه و آله و سلم» است که می‌فرماید: «در شب معراج گروهی را در آتش دیدم در حالی که مردار می‌خوردند. از جبرئیل پرسیدم، اینجا چه کسانند؟ گفت: اینها کسانی هستند که در دنیا گوشت مردم را می‌خورند. یعنی غیبت مردم می‌کردند».^۱

۲-۱- مفهوم تهمت

تهمت از نظر لغوی: معنای مختلفی دارد از جمله: بدگمانی، گمان بد، افتراء، متهم کردن کسی با آن،^۲ و آن چه کسی به آن متهم می‌شود.^۳ در فرهنگ لغت دیگر همچنین به معنای؛ گمان بد کردن و گمان بد بردن است.^۴ تهمت از نظر اصطلاحی: تهمت به معنای نسبت دادن عیب یا گناه و صفتی به دیگری در حالی که این عیب، گناه و صفت در او وجود ندارد.^۵

۲- تفاوت بین غیبت و تهمت

تفاوت بین غیبت و تهمت آن است که غیبت مطابق واقع است و دروغ نیست یعنی اینکه ما پشت سر کسی حرف بزنیم و آن شخص راضی به گفتنش نباشد. ولی تهمت، این است که کاری را نکرده است، اما به سبب حسادت، کینه، بُخل یا..... آن را به او می‌بندند و می‌خواهند آبروی او را بریزند، پس تهمت، مطابق واقع نیست و دروغ است.^۶

۱. مستدرک الوسائل، حج، باب ۱۳۲

۲. آبادیس، فرهنگ فارسی، ص

۳. عمید، فرهنگ عمید، ص

۴. دهخدا، لغت نامه دهخدا، ص

۵. همان، ص

۶. کانال رسمی آیت الله ناصری، ۹۶/۵/۱۱

اگر غیبت کسی را کنیم و آن عیب در فرد وجود نداشته باشد، تهمت است، تهمت از منظر حق الناس، بالاتر از غیبت است. اولی آبرو بردن و حق الناس است، اما دومی بدتر است و در روایت هم تهمت، بدتر از غیبت حساب میشود.^۱

کسی که دیگری را در غیابش به عیبی که مردم از آن با خبرند یاد کند، غیبت او را نکرده است. و کسی که دیگری را در غیابش به عیبی یاد کند که مردم از آن بی خبرند، غیبت او را کرده است و کسی که او را به عیبی که در او نیست یاد کند به او بهتان زده است.^۲

پیامبر فرمود: «آیا میدانید غیبت چیست؟» اصحاب عرض کردند: «غیبت آن است که برادر مومن خود را به چیزی یاد کنید که مایه کراهت و ملال خاطر او باشد». شخصی عرض کرد: «ای رسول خدا! اگر آنچه درباره او می گوییم، در او باشد باز هم غیبت است؟» حضرت فرمود: «اگر آنچه در او موجود است بگویی، او را غیبت کرده ای و اگر در او نباشد، به او تهمت زده ای».^۳

۳- انواع و اقسام غیبت

۳-۱- گفتاری:

یعنی انسان نقص برادر مومنش را به دیگری بگوید.

۳-۲- نوشتاری:

شخص، عیبی را که می خواهد بگوید، بنویسد یا در مجله و روزنامه منتشر کنند.

۳-۳- کرداری:

فرد عیب دیگری را با نمایش به دیگران بفهماند. مثل راه رفتن شبیه اعرج یا به چشم و ابرو و حرکت دست و سر و امثال اینها اشاره به نقص کسی کند که این را محاکات گویند.

۳-۴- کنایی:

^۱.مظاهری، ۱۴۰۱/۶/۴

^۲.موسوی بنا جعفر الکاظم، جامع السعادات، ج ۲، ص ۳۰۴

^۳.مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۲۲۲

دارند، زیرا روابط را به شدت تحت تاثیر قرار می دهند و موجب جو بی اعتمادی افراد، نسبت به یکدیگر می شود.

۶-۲-۴- تزلزل موقعیت و منزلت اجتماعی افراد:

شخصیت اجتماعی فرد، منوط به چگونگی رفتار و نحوی حضورش، در جامعه ای میباشد که در آن زندگی می کند، به طور کلی آن مجموعه وحدت یافته، از تمامی نقش هایی است که فرد در محدوده پایگاه اجتماعی خویش ایفا می کند. روشن است که غیبت موجب فرو ریختگی منزلت اجتماعی افراد جامعه می شود، به تعبیر دیگر به واسطه آن کرامت انسانی مورد خدشه قرار می گیرد، جایگاه فرد شکسته شده و نمی تواند در جامعه حضوری فعال، بانشاط و همراه با کرامت و عزت داشته باشد، همیشه وی فکر می کند، در نزد دیگران تحقیر شده و توانایی انجام امور خود را ندارد. از طرف دیگر اثر غیبت دامن گیر خود انسان غیبت کننده هم می شود، یعنی در واقع در کاستی شخصیت اجتماعی خودش هم موثر می باشد.

در روایت شریفی آمده است: «لا تغتب فتغتب و لا تحفر فتقع فیها فانک کما تدین تدان».

« غیبت کسی را نکن که غیبت تو را هم بکنند و برای کسی چاه حفر نکن که روزی خودت در آن افتی».^۱

۷-۲-۴- واگیری اجتماعی:

بعضی گناهان در زندگی اجتماعی و فردی و به تعبیر علم اخلاق در انحطاط روحی و کمالات انسانی نقش کلیدی دارند غیبت از آن نسخ گناهانی است که نقش مخربی در روابط اجتماعی دارد. یکی از مهمترین اثرات آن، زمینه سازی برای دیگر گناهان و اشاعه فحشا می باشد که این امر خود موجب «واگیری اجتماعی» یا «سرایت اجتماعی» می شود.

از طریق واگیری اجتماعی، پخش عقاید، سوائق احساسات، عواطف و گرایش ها در محیط مساعد، امکان پذیر می شود، برخی از هیجانات جمعی، هراس، حسد، شایعه و غیره پدیده هایی هستند که اکثر از طریق واگیری پخش می شوند.

^۱. پایگاه اطلاع رسانی حوزه

امام علی «علیه السلام» می فرمایند:

« مومن ما رآته عیناه و سمعته اذناه فهو من الذین قال الله عزوجل أن الذین یحبون ان

تشیع الفاحشه فی الذین امنوا لهم عذاب ألیم»^۱.

« اگر کسی در مورد انسان مومن دیگری، آنچه را که خودش با چشمان خود دیده و با گوش خود شنیده نقل کند، این شخص از مصادیق همان افرادی است که خداوند درباره آنها می فرماید: کسانی که دوست دارند، اعمال زشت را در مومن شایع کنند، عذاب دردناکی برای آنهاست».

نتیجه گیری

پیامر (صل الله علیه و آله) می فرماید: هرکس از مرد یا زن مسلمانی غیبت کند، خداوند متعال چهل شبانه روز نماز و روزه او رو نپذیرد مگر اینکه غیبت شونده او را ببخشد.

به کمک خداوند متعال در این نوشتار به موضوع پیامدهای غیبت بر اجتماع باتکیه بر آیات و روایات پرداختیم. این پیامدها در هر جامعه ای نمود پیدا کرده است و افراد به راحتی غیبت می کنند و اعتماد جامعه را سلب می کند. پیامدهای که در خلال این تحقیق ذکر کردم، هر کدام به نوعی مخرب جامعه و اجتماع هستند و دین مبین اسلام آن ها را نهی کرده است.

لذا راهکارهایی زیادی برای ترک غیبت با توجه به ذکر این پیامدها وجود دارد. انسان می تواند علم و دانش خود را بالا ببرد در جمعی که در آن غیبت می شود حضور کم رنگی داشته باشد. همچنین انسان می تواند توبه کند و اگر غیبت کسی را کرده، از او درخواست آمرزش بخواهد یا طلب استغفار کند. و راههای زیادی که موجب ترک غیبت می شود.

^۱. همان

هدف از این تحقیق اینکه با پیامدهای آن آشنا شویم و ترک غیبت کنیم تا جامعه استحکام و انسجام بیشتری پیدا کند فتنه‌ها و توهین‌ها از بین رود، انس و الفت بین کارکنان در جامعه بیشتر شود.

پیشنهاد من این است که باید موضوع گسترده‌تر باشد و پیامدهای فردی و خانوادگی و اجتماعی غیبت مورد تحقیق و جست و جو قرار بگیرد، و در حد یک مقاله و نوشته نباشد بلکه در مراسمات، سخنرانی‌ها و در جامعه به شکل‌های مختلف موضوع غیبت رواج پیدا کند تا مردم به این امر مهم که در اسلام بارها و بارها ذکر شده توجه بیشتری کنند.

فهرست منابع

※قرآن

- (۱) امام خمینی، "چهل حدیث"، نشر: تهران، انتشارات: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، سال نشر ۱۳۸۶
- (۲) خلجی، محمدتقی، (غیبت)، انتشارات: تهرآن، آثار امام خمینی، چاپ سوم ۱۳۸۳
- (۳) دستغیب، عبد الحسین، (گناهان کبیره)، ناشر: دارالکتاب قم، سال چاپ ۱۳۹۴، نوبت چاپ ۲۶، تعداد صفحات ۴۱۶
- (۴) ری ش هری، محمد، (دانشنامه)، انتشارات: موسسه علمی فرهنگی دار الحدیث
- (۵) طیب، عبد الحسین، (اطیب البیان فی تفسیر القرآن)، نشر: تهرآن، سال نشر: ۱۳۷۸، تعداد جلد ۱۴
- (۶) علیزاده موسوی، سید مهدی، (ایمان و کفر)، ناشر: دارالاعلام مدرسه اهل بیت، سال چاپ: ۱۳۹۳، نوبت چاپ: ۱
- (۷) کاشانی، فیض، (المحجّه البیضاء)، انتشارات: مشهد بنیاد پژوهش های اسلامی، سال نشر ۱۳۷۳-۱۳۷۹
- (۸) مجلسی، محمدباقر، (عین الحیات)، انتشارات: تهرآن، ۱۳۹۱ ش، سری چاپ: ۳، جلد ۲
- (۹) نراقی، احمد، (معراج السعاده)، انتشارات قم
- (۱۰) نراقی، مهدی، (جامع السعادات)، جلد ۲، ناشر: قائم ال علی، سال چاپ: ۱۳۹۶، نوبت چاپ: ششم
- (۱۱) آمدی، ابو الفتح، (غررالحکم)، انتشارات: قم دار الحدیث، ۱۳۸۳
- (۱۲) انصاری، جمال الدین ابن منظور، (لسان العرب)، انتشارات: بیروت، چاپ سوم
- (۱۳) جذری، مبارک ابن اثیر، (النهایه فی غریب الحدیث و الاثیر)، جلد سوم، انتشارات: ریاض، تعداد جلد: ۵
- (۱۴) قرطبی، شمس الدین، (تفسیر القرطبی)، انتشارات: دار الکتب المصریه، القاهره
- (۱۵) کلینی، محمد بن یعقوب، (اصول کافی)، انتشارات: تهران دار الثقلین، سال ۱۳۹۰

- ۱۶) مصطفوی، حسن، (التحقیق فی کلمات القرآن کریم)، انتشارات: تهران وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سال چاپ: ۱۳۶۸ ش نوبت چاپ اول، تعداد جلد ۱۴
- ۱۷) مجلسی، محمد باقر، (بحار الانوار)، انتشارات: بیروت دار الحیاء، تعداد جلد ۱۱۱

*** سایت ها ***

- * پایگاه اطلاع رسانی حوزه، ۴/۵/۱۴۰۱
- * راسخون، ۴/۶/۱۴۰۱
- * سخنرانی، شیخ تیمیرچلا، ۱۲/۶/۱۴۰۱
- * سخنان مدرس حاجی حافظ مصطفی واروشی، ۱۲/۶/۱۴۰۱
- * علی اکبر، دمه خدا، لغت نامه دمه خدا، ۴/۶/۱۴۰۱
- * فرهنگ عمید، ۴/۶/۱۴۰۱
- * فرهنگ فارسی، ۲۹/۵/۱۴۰۱